

تشریح محورهای منازعه بین فلسطین و اسرائیل

حسین جودکی^۱، علی فلاحی سیفالدین^۲

چکیده

مسئله فلسطین از قرن بیستم میلادی و با کنار کشیدن انگلیس از قیومیت این کشور آغاز شد و در حال حاضر یکی از مهمترین مسئله جهان اسلام محسوب می‌گردد. حال با گذشت زمان، آنچه از سرزمین گسترده فلسطین برای فلسطینیان باقی مانده، تنها مناطق کرانه باختری و نوار غزه است که با این حساب ۸۷ درصد سرزمین اولیه فلسطین تحت اشغال کامل اسرائیل درآمده است. برای رفع نزاع میان فلسطین و اسرائیل تاکنون تلاش‌هایی صورت گرفته است که تماما با شکست مواجه شده‌اند. در این مقاله، بررسی می‌شود که محورهای نزاع میان این دو کدام‌اند تا بتوان با شناخت هرچه بیشتر این موارد موانع صلح آشکار شود. روش انجام این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اشغال بیت‌المقدس، مساله آوارگان فلسطینی، بحران منابع آبی و مرزهای طرفین عمده مشکلات و مسائل حل نشده برای تفاهم میان فلسطین و رژیم اسرائیل هستند.

واژگان کلیدی: فلسطین، منازعه، سرزمین‌های اشغالی، اسرائیل

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد hussein.jdk@gmail.com

^۲ استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد

مقدمه

تفکر ایجاد کشوری مستقل برای یهودیان به قرن ۱۸ میلادی برمی‌گردد ولی در واقع می‌توان شروع رسمی جنبش ایجاد صهیونیسم به شکل کنونی را در اوایل قرن ۱۹ میلادی و در زمانی دانست که سرزمین فلسطین هنوز جزئی از دولت عثمانی بود. با صدور بیانیه بالفور در ۱۹۱۷ میلادی، رسماً طرح تاسیس اسرائیل مطرح گردید. فلسطین سرزمینی بود که هم حاکمان ضعیفی بر آن حکمرانی می‌کردند و هم برای یهودیان ارض مقدسی به حساب می‌آمد؛ در حالیکه از موقعیت اقلیمی و جغرافیایی مناسبی نیز برخوردار بود. از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۷ میلادی، فلسطین تحت قیمومیت انگلیس بود ولی پس از آن به سرپرستی خود پایان داد و آن را به سازمان ملل متحد واگذار کرد. حال چیزی که باقی مانده بود چگونگی جدایی یهودیان و اعراب بود. در نوامبر ۱۹۴۷ بر طبق دو سوم رای اکثریت بین‌المللی، بطور رسمی تجزیه فلسطین و تاسیس کشور اسرائیل اعلام شد در حالیکه اعراب فلسطینی مخالف آن بودند. دلایل مختلفی برای بروز مخالفت فلسطینی با این اقدام وجود داشت که رفته رفته بیشتر شدند. در سال ۱۹۴۷ و در طی یک جنگ ۶ روزه میان اسرائیل و کشورهای عربی رخ گرفت که پس از آن کرانه باختری، قدس شرقی و نوار غزه از سرزمین فلسطین به تصرف اسرائیل درآمد. صحرای سینا، اورشلیم شرقی اردن و بلندی‌های جولان را به ترتیب از کشورهای مصر، اردن و سوریه نیز از جمله سایر مناطق ماحصل جنگی برای اسرائیل بوده‌اند. بیت‌المقدس نیز جزء مناطق تحت سرپرستی اسرائیل شد که خود مبحث دیگری را به میان آورد. این مالکیت برخلاف مناطق مصوبی بود که پیش‌تر برای اسرائیل در نظر گرفته شده بودند و در حاشیه این تصرف نزاع‌های زیادی به وجود آمد. اسرائیلی‌ها حتی به این مرزهایی که تصرف کرده بودند نیز بسنده نکردند و در مناطقی که هنوز متعلق به فلسطینیان است شروع به شهرک‌سازی نموده‌اند. مشکل فلسطینیان و اسرائیلی‌ها تنها محدود به وقایع پس از جنگ شش روزه نمی‌شود. پس از سال ۱۹۴۸ که شماری از فلسطینیان از مناطق خود رانده شدند، کم کم در پناهگاه‌هایی در سایر کشورهای عربی مستقر شدند. هرچند شمار اولیه آنها بیش از ۹۰۰ هزار نفر تخمین زده شده بود ولی برآوردها تعداد این افراد را در ۲۰۱۵ میلادی در حدود ۶ میلیون نفر می‌داند که در ۵۸ اردوگاه مختلف مستقر هستند. از سال ۱۹۶۷ میلادی و پس از جنگ میان اعراب و اسرائیل برای اولین بار و بطور رسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواستار عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی شد. این درخواست آغازی برای دیگر نشست‌ها، پیشنهادات و توافقاتی بود که از طرف ایالات متحده برای حل این مسئله مطرح شد.

در واقع، نزاع میان اسرائیل و فلسطین از اواخر قرن هجدهم میلادی آغاز شده است و تاکنون ادامه دارد. مسئله حل نشده‌ای که در این مورد وجود دارد، صلح میان اسرائیل و فلسطین است که به دلایل متعددی حتی می‌توان آن را رفع نشدنی دانست. این مقاله، به بررسی این دلایل و علل عدم رفع آنها می‌پردازد. روش

تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است. سوال اصلی که این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای آن است بدین شکل مطرح می‌شود که از زمان تشکیل اسرائیل تاکنون، چه دلایلی بعنوان موارد مورد بحث دو کشور مطرح بوده است که تاکنون بدون حل و فصل باقی مانده است؟

۱- نزاع میان فلسطین و اسرائیل

در مورد دلیل ایجاد بحران فلسطین می‌بایست ریشه آن را در نحوه اشغال آن توسط اسرائیل دانست. از اواخر دهه ۱۸۸۰ میلادی اولین ایده‌های تعیین کردن مکان مشخصی برای یهودیان سراسر دنیا مطرح شد که اولین ثمره این ایده در ۱۸۹۷ به بار نشست (Levin, 2005)، عقیده بازگشت به صهیون همواره در بین جمعیت پراکنده یهود وجود داشت اما به دنبال طرح‌های روسیه و نیز تمایلات ضد یهودی اروپا بود که شخصی یهودی به نام تئودور هرتسل ایده گردآوری یهودیان تبعیدی را در صهیون مطرح نمود. هرتسل در سال ۱۸۹۶ در کتاب سرزمین یهود یادآور شد که مستحیل شدن یهودیان در اروپا خیالی واهی است و هرگز به وقوع نخواهد پیوست. وی در مقابل بازگشت یهودیان به صهیون را پیشنهاد کرد. سال‌ها بعد حامیان هرتسل جاهای متعددی را برای تشکیل صهیون جدید پیشنهاد دادند که در میان آنها فلسطین اهمیت خاصی داشت. دین یهود آشکارا بازگشت به سرزمین موعود را تا زمان ظهور مجدد مسیح ممنوع کرده است. ۴۱ اما هرتسل ایده سکولاریستی خود را بدون توجه به این مسئله برای مقابله با تمایلات ضد یهودی اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم مطرح کرده است. در سال ۱۸۹۷ هرتسل اولین کنگره صهیونیسم را در شهر باسل سوئیس برگزار کرد و تعداد کثیری از روشنفکران یهودی مقیم اروپا از ایده او حمایت کردند. البته حمایت از او فراگیر نبود و بسیاری از یهودیان معتقد بودند که تلاش هرتسل برای ایجاد سرزمینی جدید کوشش آنها را برای جذب یهودیان (در جامعه اروپا) با شکست مواجهه می‌کند. هرتسل علاوه بر تبلیغاتی که برای جلب حمایت جامعه یهودیان به راه انداخت به مدت بیست سال در پایتخت‌های اروپایی به امید یافت حامیان و نیز انتشار عقاید خود تلاش کرد. در آن زمان چنین به نظر می‌رسید که ابتدا عثمانی‌ها و بعد آلمانی‌ها و روس‌ها از صهیونیست‌ها حمایت خواهند کرد اما در نهایت حکومت بریتانیا حمایت از آنها را به عهده گرفت. در این سال، سازمان جهانی صهیونیسم در کشور سوئیس با هدف حمایت از جریان صهیونیسم و ایجاد کشور اسرائیل تاسیس گردید. بنیانگذار اصلی جنبش صهیونیسم فرد یهودی اتریشی به نام تئودور هرتسل بود که در سال ۱۸۸۶ کتاب کشور یهودی را منتشر کرد یعنی درست یک سال پیش از تشکیل سازمان جهانی صهیونیسم. وی پس از انتشار کتابی تحت عنوان «کشور یهود»، برای رسیدن به این هدف جنبش سیاسی صهیونیست را تأسیس کرد؛ ولی نکته جالب توجه این است که مکتب صهیونیسم برپایه تفکرات سکولار

پایه‌ریزی گردید نه تعالیم تورات و یهودیت، همین پدیده موجب گردید که در زمان حاضر نیز بسیاری از یهودیان جهان در جنبش‌های صهیونیسم حضور نداشته باشند و از آن حمایت ننمایند (Oz, 1995: 10).

ناگفته پیداست که موقعیت اقلیمی کشور مصر به اندازه فلسطین مطلوب نیست و به همین دلیل از اشغال مصر نیز صرف‌نظر شد. حادثه بعدی در تشکیل کشور اسرائیل مسئله بیانیه بالفور است. این بیانیه یک نامه تاریخی است که در ۱۹۱۷ توسط بالفور، وزیر خارجه وقت بریتانیا، برای تشکیل رسمی کشور اسرائیل در سرزمین فلسطین بود. او توانست به مدت ۵۰ سال قدرت و موفقیت ممتازی را در حزب محافظه‌کار انگلیس کسب کند. بالفور به خاطر نقش موثری که در پیشبرد اهداف سیاسی استعمار بریتانیا در آفریقای جنوبی به ویژه در جنگ‌های استعماری علیه بومیان آن کشور طی سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲ برعهده داشت، در پایان این جنگ‌ها به ریاست دولت انگلیس رسید. او از ۱۲ ژوئیه سال ۱۹۰۲ تا چهارم دسامبر سال ۱۹۰۵ نخست‌وزیر و از سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۹ وزیر امور خارجه انگلیس بود (Khalidi, 1971).

در فاصله ۲۲-۱۹۱۹ به‌رغم قیام گسترده و خشونت‌آمیز اعراب مسلمان علیه مهاجرت یهودیان حدود ۳۵۰۰۰ تن یهودی رهسپار فلسطین گردیدند. در سال ۱۹۲۲ میلادی اعلامیه بالفور با تلاش دولت انگلستان در جامعه ملل به تصویب رسید و شتاب مهاجرت یهودیان به فلسطین در پناه تلاش‌های انگلیسی‌ها و دلارهای آمریکائی‌ها بیشتر گردید. در دهه ۱۹۲۰ که «دوره اصلاح و توسعه جامعه یهودیان فلسطین» نامگذاری شده بود، زمین‌ها و اراضی وسیعی که با اجبار و تهدید و ترور و یا با فریب از فلسطینی‌ها خریداری شده بود، احیاء گردید و صنایع جدید پایه‌گذاری شد. شرکت‌ها و موسسات تعاونی یهودی یکی پس از دیگری تأسیس شدند و نام شهرها، شهرک‌ها و روستاها نیز یکی پس از دیگری از اسامی عربی به یهودی تبدیل شدند.

در دهه ۱۹۳۰ که دوره ظهور و اقتدار حزب نازی در اروپا بود، مهاجرت یهودیان به فلسطین افزایش بی‌سابقه‌ای یافت بطوریکه در طی سال‌های ۳۵ - ۱۹۳۲ جمعاً حدود ۱۴۵۰۰۰ یهودی دیگر بطور مجاز و با دخالت و تلاش موثر سه کشور فرانسه و انگلیس و آمریکا که بخصوص روابط تیره‌ای با آلمان نازی داشتند، راهی فلسطین شدند و علاوه بر این ده‌ها هزار یهودی دیگر نیز بطور قاچاق در این سرزمین اقامت گزیدند و قیام و مقاومت اسلامی و مسلحانه اعراب مسلمان مقیم فلسطین نیز که حرکت خروشان شیخ عزالدین قسام نمونه صد در صد اسلامی و خالص آن بود بدلیل سکوت و عدم حمایت رژیم‌های عربی عمدتاً توسط دولت انگلیس سرکوب گردید (Simoni, 1999). در سال ۱۹۳۸ میلادی یعنی یکسال قبل از وقوع جنگ جهانی دوم از مجموع ۱/۵ میلیون نفر ساکنین فلسطین، ۴۵۰ هزار تن آنان را که معادل ۳۰ درصد کل جمعیت این سرزمین می‌شدند یهودیان تشکیل می‌دادند و با وقوع جنگ جهانی دوم موج عظیمی از یهودیان در راستای سیاستی که انگلیسی‌ها با حمایت آمریکا برای تأسیس دولت مستقل یهودی و تقویت بنیان سیاسی

صهیونیسم اتخاذ کرده بودند، رهسپار فلسطین شدند بطوریکه در فاصله ۵ سال جنگ جهانی دوم یعنی از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴ تعداد یکصد هزار یهودی دیگر به سوی این سرزمین سرازیر گردیدند.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ میلادی، سازمان ملل متحد، طرح تقسیم فلسطین به دو کشور اسرائیل و فلسطین و اداره شهر اورشلیم، به صورت بین‌المللی را تصویب کرد. این طرح موافقت سران صهیونیست را در پی داشت اما فلسطینیان و دولت‌های عرب منطقه، بی‌درنگ آن را رد کردند. در نتیجه از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۴۷ تا ۱۴ مه ۱۹۴۸ میان شبه‌نظامیان فلسطینی و یهودی، نبردهای خونینی در گرفت. نهایتاً در ۱۴ مه ۱۹۴۸ همزمان با پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین، «دولت اسرائیل» با صدور منشور استقلال، اعلام موجودیت کرد. یک روز پس از اعلام استقلال، تمامی همسایگان عرب بطور همزمان به اسرائیل حمله کردند که متحمل شکست شدند. از آن پس، مجموعه‌ای از درگیری‌های نظامی بین نیروهای اسرائیلی و کشورهای عرب رخ داده که جنگ ۱۹۴۸، جنگ ۱۹۵۶، جنگ شش روزه ۱۹۶۷ و جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳ مهمترین آنها بوده‌اند. اسرائیل عضو رسمی سازمان ملل متحد است و در حال حاضر با بیش از صد و پنجاه و هفت کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد. با این حال برخی کشورها مانند ایران آن را به رسمیت نمی‌شناسند و سراسر اسرائیل را فلسطین اشغالی (به عربی: فلسطین المُحتَلَّة) می‌نامند (Pfeffer, 2007).

۲- محورهای منازعه بین فلسطین و اسرائیل

از زمانی که بحران فلسطین با ورود یهودیان به این سرزمین شکل گرفته است، بر سر مسائل مختلفی بحث‌ها و نزاع‌هایی رخ داده است. این جنگ‌ها در هر زمانی دچار پستی و بلندی‌هایی شده‌اند ولی کماکان بسیاری از مسائل هنوز هم حل شده نیستند. بنابراین، در این بخش به مسائل باقی مانده بین این دو پرداخته می‌شود تا دلایل بروز جنگ‌های مختلف بیشتر مشخص شود. در هر زیر بخش جداگانه این بحث‌ها مطرح می‌شوند و دلیل شروع، مسائل مطرح مورد بحث در آن و نیز سایر مواردی که لازم دیده می‌شود تا معرفی شوند مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۲-۱- مناطق مقدس و بیت‌المقدس

شهر قدس در منطقه‌ای کوهستانی و در کوهپایه واقع شده است بدین سبب از همه سو با کوه احاطه شده و اراضی آن به جزء بخش شرقی که در سمت اردن قرار دارد بسیار حاصل خیز است. این شهر از سمت جنوبی در امتداد کوه صهیون قرار داشته و ارتفاع آن ۷۵۰ متر بالاتر از سطح دریاست. این شهر همچنین چندین وادی احاطه شده است: «وادی جهنم» (قدرون) در شرق، «وادی ربابه» (هنوم) در جنوب، «وادی الدمن» در غرب. این دشت‌ها خطوط دفاعی طبیعی برای حفاظت از شهر که می‌توان از سمت شمال و شمال غرب از

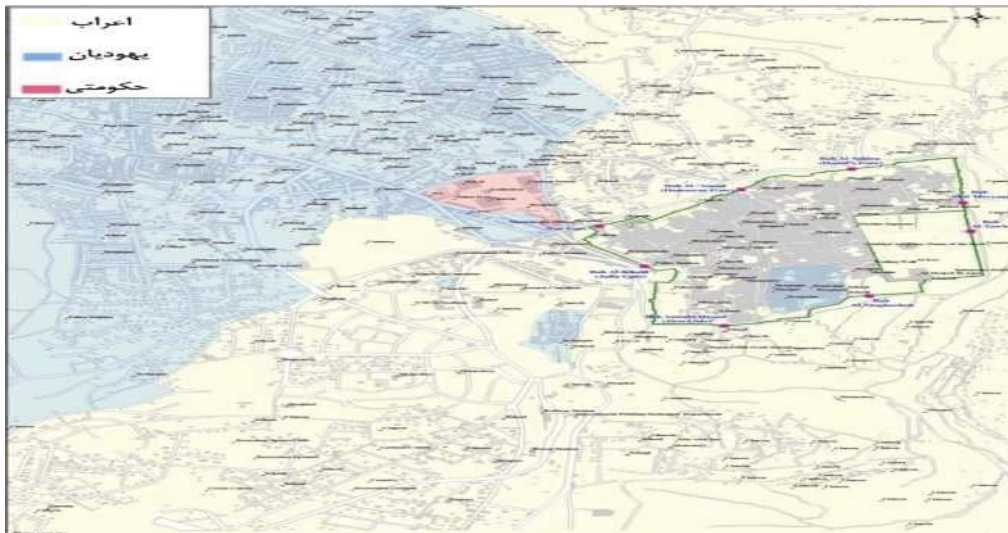
آن وارد شد محسوب می‌شود (قهرمانی، ۱۳۷۹: ۲۷۶). جهت‌های شمال و شمال غرب دشت‌های باز است و در آن مانعی برای ورود نیروهای نظامی وجود ندارد از این رو بیشتر حملات برای ورود به شهر از این دو جهت صورت گرفته است.

مهمترین و شاخص‌ترین مرکز مقدسی که بین این دو مورد تمرکز و دادخواهی است، سرزمین بیت‌المقدس است زیرا برای هر مسلمان فلسطینی و یهودی اسرائیلی به یک اندازه حائز اهمیت است. در دسامبر ۱۹۱۷، بیت‌المقدس به اشغال نیروهای انگلیس درآمد که برخلاف میل مسلمانان مورد تعارض قرار گرفته بود (دهقانی پوده، ۱۳۸۹: ۱۸۵). نخستین مخالفت و اقدام جدی مسلمانان بیت‌المقدس در مبارزه با تجاوز انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها در سال ۱۹۲۰ میلادی شکل گرفت که از سوی سربازان انگلیسی سرکوب شد (Al- Ghitany & others, 2009).

برای آنکه هرچه بیشتر این حکمرانی تصویب شود، در سال ۱۹۲۲ شورای جامعه ملل قیومیت انگلیس را بر فلسطین به مرکزیت بیت‌المقدس پذیرفت و این مسئله تا سال ۱۹۴۸ میلادی نیز ادامه یافت. با توجه به مسائلی که در سال ۱۹۴۷ پیش آمده بود و کشور اسرائیل به رسمیت شناخته شد، اسرائیل بخش غربی شهر بیت‌المقدس را از آن خود دانست. پس از آن برای تثبیت اشغال بیت‌المقدس غربی، اسرائیل در سال ۱۹۵۰ میلادی این سرزمین را پایتخت خود اعلام کرد. شکل ۱ نقشه‌ای از میزان تصرف اسرائیلی‌ها در قدس غربی تا قبل از سال ۱۹۴۷ را نشان می‌دهد. بخشی که به رنگ سبز در این تصویر مشخص شده است نشان دهنده بافت قدیمی شهر که شهر قدیم خوانده می‌شود است. در واقع مسجدالاقصی و قدس در این ناحیه قرار دارند. همانگونه که گفته شد، در آن زمان پایتخت اسرائیل شهر بیت‌المقدس بود که ناحیه قرمز رنگ نواحی حکومتی و اداری اسرائیل را نشان می‌دهد. شکل ۲ تصویر حاکمیت اسرائیل بر بیت‌المقدس را بعد از سال ۱۹۴۷ را نشان می‌دهد.

پس از وقوع جنگ شش روزه، بیت‌المقدس شرقی نیز در سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل درآمد و از سال ۱۹۸۰ اسرائیل این منطقه را متعلق به خود دانست. یک سال پس از این اشغال، شروع شهرک‌سازی‌های اسرائیلی‌ها در بیت‌المقدس آغاز گردید. اوج این اقدامات اشغالگرانه در سال ۱۹۹۲ میلادی و با شروع شهرک‌سازی‌های کلان در بیت‌المقدس رخ داد که این مسئله باعث شد تعداد شهروندان یهودی از شهروندان مسلمان پیشی بگیرد. به هر حال آنچه که امروز از سرزمین فلسطین برای فلسطینیان باقی مانده است تنها مناطقی از کرانه باختری (که بیت‌المقدس در آن است) و نوار غزه است در حالیکه همانطور که در شکل ۳ نشان داده شد، تمامی منطقه کرانه باختری در اختیار نیروهای نظامی اسرائیلی است (تمام نواحی آبی رنگ) و تنها بخش‌های پراکنده‌ای از این منطقه در اختیار فلسطینیان است. فی‌الواقع، مناطق فلسطینی‌نشین را می‌توان همچون جزایر کوچک و پراکنده‌ای در میان دریایی از مناطق نظامی اسرائیلی‌ها فرض کرد که حق

رشد منطقه‌ای و تامین امنیت محلی و خودگران را به فلسطینیان نمی‌دهند. این تصویر نشان دهنده هرچه بیشتر ستم اسرائیلی‌ها به فلسطینیان است زیرا حتی به منطقه امنی هم که با فلسطینیان بطور نسبی بر سر آن موافق کرده‌اند تا برای فلسطینیان باقی بماند هم رحم نمی‌کنند و روح سلطه خود را در آن حاکم کرده‌اند.



۴۵

شکل ۱) میزان تصرف اسرائیلی‌ها در قدس غربی تا قبل از سال ۱۹۴۷ (برگرفته از: www.jesussaves.nl)

مشکلات زیادی برای مسلمانان نیز در این رابطه به وجود آمده از قبیل عدم اجازه احداث بنا و شرایط نامساعد شهروندی. علاوه بر این، مصادره اراضی فلسطینیان از طرف صهیونیست‌ها و نیز بهبود اوضاع شهروندی در بیت‌المقدس برای یهودیان از جمله مشکلات دیگری است که در این رابطه برای ساکنین مسلمان و اصلی بیت‌المقدس پیش آمده است. در واقع نزاعی که هنوز باقی مانده و بر سر بافت قدیم شهر یا همان منطقه قدس و مسجدالاقصی است که عدم سلطه مطلق اسرائیل بر روی این منطقه باعث می‌شود تا فلسطینیان هنوز امیدهایی را برای پس گرفتن آن در دل حفظ کنند. بعد از سال ۱۹۴۸ بارها و بارها مناطق مقدسی همچون مقبره یوسف نبی (ص)، هیکل سلیمان (ص) و کوه زیتون بین اسرائیل، اردن و فلسطین جابجا شده‌اند (Weinberg & David, 2015).

مواردی که ذکر شد و بطور ویژه منطقه قدس و مرکز قدیم شد از اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین موارد مورد نزاع و بحث این دو است که بارها در معاهدات مختلف و قراردادهای مطرح شده در مورد آنها توافقاتی صورت گرفته که گاهی مورد نقض قرار گرفته‌اند. در بخش‌هایی که به بررسی فرآیند صلح فلسطین و اسرائیل پرداخته می‌شود، توضیحات بیشتری در مورد تصمیمات امنیتی و شهروندی بیت‌المقدس داده می‌شود که در این

بخش از تشریح بیشتر آن خودداری می‌شود. بجز در مواردی که گروه‌ها و سازمان‌های مختلف فلسطینی اعاده می‌کنند و حتی برخی خواهان باز پس‌گیری کامل شهر بیت‌المقدس است، آنچه که اکنون فلسطینیان انتظار دارند بر سر آن به صلح با اسرائیلی‌ها برسند اداره کامل و بدون شرط قدس و مسجدالاقصی بدون وجود هرگونه ادعاهای حکومتی اسرائیل است. این در حالی است که اسرائیل نیز متقابلاً چنین مقصودی را در پیش گرفته و دائم با مخالفت‌هایی از سوی فلسطینیان مخصوصاً سازمان‌هایی که خواهان نابودی کامل اسرائیل هستند مواجه می‌شوند.



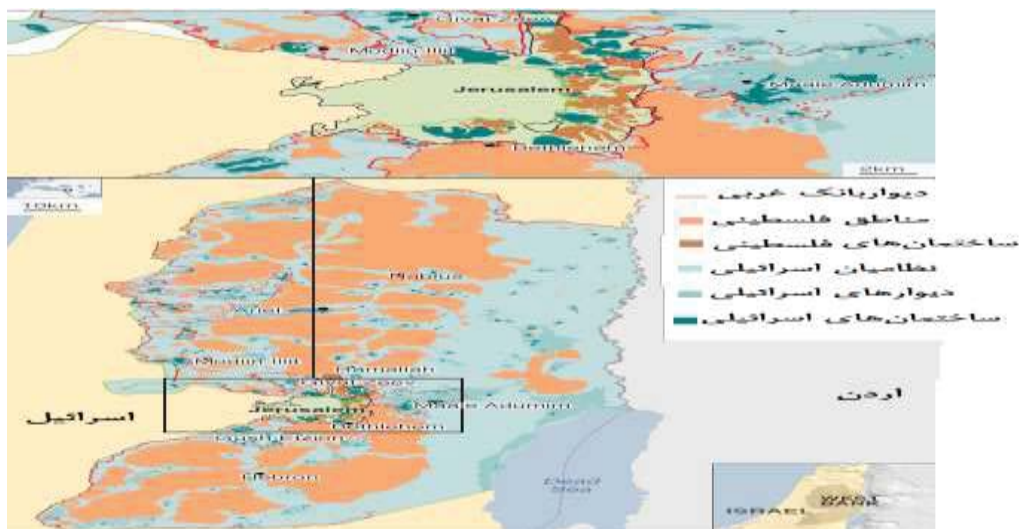
شکل ۲) حاکمیت اسرائیل بر بیت‌المقدس بعد از سال ۱۹۴۷ (برگرفته از سایت: www.jesussaves.nl)

اسرائیل از زمان اشغال قدس سیاست انهدام اقتصاد این شهر مقدس را در پیش گرفت که در نتیجه این شهر پس از مدتی دچار بحران اقتصادی شد بگونه‌ای که شمار بیکاران به یک سوم نیروی کار رسید. اسرائیل همچنین ضمن وضع مالیات‌های سنگین بر بخش صنعت مانع از بهره‌برداری ساکنان عرب از زمین و آب شد که این امر بخش کشاورزی فلسطین را به شدت تحت تاثیر قرار داد و باعث شد تا کشاورزان فلسطینی به جستجوی منابع دیگر بپردازند. آنها راهی جزء رفتن به بازار کار در اسرائیل و ترک سرزمین‌های اشغالی نیافتند که این امر زمینه را برای خالی شدن قدس از ساکنان عرب آن هموار ساخت. بخش اقتصادی قدس به چند علت تحت تاثیر قرار گرفت. برخی از این عوامل مربوط به طبیعت شهر بود و برخی دیگر به تدابیر اعمال شده بر آن ارتباط داشت از جمله مالیات‌هایی که صهیونیست‌ها بر مردم تحمیل کرده بودند و سه نوع بود: مالیات‌های شهرداری که به صورت مستقیم دریافت می‌شد مالیات بر درآمد که به اداره‌ای به همین نام

پرداخت می‌شود و مالیات بر ارزش افزوده که توسط اداره گمرکات دریافت می‌شود. در این میان بخش تجاری به سبب اهمیت دینی سیاسی و جغرافیایی شهر قدس یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی برای ساکنان عرب این شهر تلقی می‌شود اما این بخش پس از اشغال قدس توسط اسرائیل در سال ۱۳۴۶ به شدت دچار رکود شد. بعنوان مثال بخش بازرگانی شهر در سال ۱۳۴۶ به سبب مصادره زمین و اقدام صهیونیست‌ها در وضع مالیات‌های بسیار سنگین یک سوم از مراکز خود را از دست داد. بخش گردشگری نیز با طبیعت دینی شهر قدس ارتباط دارد زیرا این شهر دارای نقاط تاریخی است که عامل جذب پیروان سه دین اسلام مسیحیت و یهود می‌باشد.

۲-۲- آوارگان فلسطینی

پس از سال ۱۹۴۸ که شماری از فلسطینیان از مناطق خود رانده شدند، کم کم در پناهگاه‌هایی در سایر کشورهای عربی مستقر شدند. از آنجائیکه نزدیکترین کشورهای امن و قابل سکونت آنها در آن زمان کشورهای همچون لبنان، سوریه و اردن به حساب می‌آمدند، بیشترین هجوم آوارگان فلسطینی به این کشورها سرازیر شد. برطبق منشور پنج فلسطین، آواره فلسطینی به اعرابی گفته می‌شود که تا سال ۱۹۴۷ میلادی در فلسطین زندگی می‌کردند و پس از به استقلال درآمدن اسرائیل یا از کشور خود رانده شدند یا فرار را برقرار ترجیح دادند. البته از آنجائیکه نسل بعدی آوارگان اولیه نیز تاکنون متولد شده‌اند، به ساکنین کشورهای دیگری که از یک پدر فلسطینی زاده شود نیز آواره فلسطینی می‌گویند (Forsythe, 1971).



شکل ۳) وضعیت فعلی اشغال شهر بیت‌المقدس توسط اسرائیل (برگرفته از: www.btselem.org)

با قوت گرفتن و به وجود آمدن وضعیت غیرقابل انکار نامطلوب پناهنگان و آوارگان فلسطینی، کمیته‌ای تحت عنوان آژانس امداد و اشغال سازمان ملل متحد در ۱۹۴۹ تأسیس شد تا بتواند بهتر و بیشتر به وضع معیشتی، بهداشتی و آموزشی آوارگان فلسطینی رسیدگی شود. اولین اردوگاه آوارگانی که برای فلسطینیان در خارج از کشور آنها برایشان مهیا شد در سال ۱۹۵۰ و در شهر بیروت بود که بیشتر تمرکز آن بر روی رسیدگی به وضع بهداشت و رفاه اولیه مردمی بود. دلیل این مسئله این بود که اولین حرکت فلسطینیان برای خروج از کشور در سال ۱۹۴۸ با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت به سمت لبنان بوده است. هرچند شمار اولیه آنها بیش از ۹۰۰ هزار نفر تخمین زده شده بود ولی برآوردها تعداد این افراد را در ۲۰۱۵ میلادی در حدود ۶ میلیون نفر می‌داند که در ۵۸ اردوگاه مختلف مستقر هستند. آماری قریب به ۵۹ درصد از آوارگان فلسطینی هنوز در کشورهای اردن با داشتن ۱۰ اردوگاه، سوریه با داشتن ۹ اردوگاه و لبنان با داشتن ۱۰ اردوگاه مستقر هستند و در مابقی موارد ۱۹ اردوگاه در کرانه باختری و ۸ اردوگاه در نوار غزه برپا است.

برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر، روند مهاجرت و کوچ اجباری به فلسطین اشغالی، بسیار کمتر از روند فرار صهیونیست‌ها بخاطر ترس از جنگ و ناامیدی از آینده اسرائیل بوده است. موسسه آمار فلسطین همچنین پیش‌بینی کرده است که طی ۱۰ سال آینده، حتی در همین آمار ظاهری هم جمعیت ساکن فلسطین حداقل ۴ درصد بیشتر از جمعیت یهودی خواهد بود، مشروط بر آنکه روند خروج صهیونیست‌ها از فلسطین اشغالی و انصراف آنها از ماندن در اسرائیل، صفر در نظر گرفته شود، در غیر اینصورت باز هم رقم فلسطینی‌ها به مراتب افزون‌تر خواهد شد.

پایین بودن سطح بهداشت یکی از معضلاتی است که آوارگان در تمام اردوگاه‌ها با آن مواجه هستند. هرچند آنها خدماتی را برای آوارگان ساکن اردوگاه‌ها درخصوص مسائل بهداشتی ارائه می‌دهد، ولی این خدمات برای انبوه زنان آواره کافی نبوده و کمبودهای زیادی به چشم می‌خورد. بیکاری یکی از عوامل مهمی است که آوارگان فلسطینی با آن روبرو هستند و این به نوبه خود مسبب سایر عوامل از جمله فقر نیز گردیده است. به همین منظور، بسیاری از جمعیت آواره فلسطینی در فقر مطلق زندگی می‌کنند. زنان و کودکان، بیشترین رنج را تحت شرایط فقر مطلق تحمل می‌کنند، تعداد زنان و کودکانی که در این شرایط در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند با نرخی سریع‌تر از مردان روبه افزایش است (Chatty, 2005).

مسئله دیگری که آوارگان با آن روبرو هستند بی‌سوادی بسیار زیاد در میان آوارگان بالاخص زنان است. فقدان سواد و مهارت‌های اولیه، آنها را از فرصت‌های شغلی کارآمد محروم می‌کند. همچنین این امر به کیفیت زندگی آنها لطمه می‌زند. زیرا تحصیلات برای زنان و دختران، مهمترین عامل در تعیین موفقیت در برنامه‌های تنظیم خانواده و خدمات مربوط به مراقبت‌های بهداشتی اولیه است. آموزش پسران بر دختران تقدم دارد و این مسئله معضل آموزش را برای دختران دوچندان کرده است. علاوه بر فقر، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی

از دیگر عوامل عمده بی‌سوادی در بین دختران در اردوگاه‌ها تلقی می‌شود (Alzaroo, 2003). مجمع عمومی سازمان ملل از ابتدا چندین قطعنامه در زمینه لزوم بازگشت آوارگان به وطن خویش به علاوه دریافت خسارت صادر کرده است. در حالیکه اسرائیل همواره این قطعنامه‌ها را رد نموده است. سازمان ملل قطعنامه‌هایی در مورد آوارگان فلسطینی صادر کرده است. از میان این قطعنامه‌ها می‌توان به قطعنامه‌های ۱۹۴ دسامبر ۱۹۴۸، قطعنامه ۳۰۲ دسامبر ۱۹۵۰ و قطعنامه ۵۱۲ ژانویه ۱۹۵۲ اشاره نمود، که مهمترین آنها قطعنامه ۱۹۴ می‌باشد.

بازگشت فلسطینیان به وطن امر امکان‌پذیری است، زیرا با وجود مهاجرت گسترده یهودیان به اسرائیل همچنان بیشتر اراضی فلسطینی خالی از سکنه هستند و یا اغلب ساکنان این مناطق فلسطینیانی هستند که در وطن خود باقی مانده‌اند. مطالعات موشکافانه جمعیتی باتوجه به داده‌های اسرائیل این مطلب یعنی امکان بازگشت آوارگان را به اثبات رسانده است. بنابراین اگر آوارگان فلسطینی مقیم لبنان به الجلیل بازگردند، تنها یک درصد معادله جمعیت دو طرف یهودی و فلسطینی را در مرکز تغییر می‌دهد. همچنین اگر شرایط فراهم شود و آوارگان مقیم نوار غزه به زمین‌های خود در جنوب فلسطین بازگردند، تنها ۵ درصد روی جمعیت انبوه یهودیان تأثیر می‌گذارد. از جمله فرق‌ها و تناقضات دردآور اینکه مجموع آوارگان غزه و لبنان با شمار یهودیان مهاجر روسی به فلسطین اشغالی در دهه نود برابر است.

۲-۳- ذخایر آبی

یکی از موضوعات غیرقابل انکار و در عین حال حیاتی که اسرائیلی‌ها برای به دست آوردن آن نزاع‌های مختلفی را به راه انداخته‌اند مسئله تامین آب شرب شهری برای مناطق شهرک‌نشین آنهاست. دلیل این مسئله از آنجایی نشأت می‌گیرد که اکثر آب قابل شرب سرزمین فلسطین از سفره‌های زیرزمینی منطقه شمال کرانه باختری و منطقه شرقی حاصل می‌شود که جزء کشور فلسطین به حساب می‌آید. این مناطق که مشهور به خطوط سبز هستند دارای پتانسیل تامین آب ۷۷ درصد کرانه باختری هستند ولی با حاکمیت استبدادی اسرائیل بر سرزمین فلسطین، ۸۸ درصد این مخازن آبی به سمت مناطق شهرک‌نشین اسرائیلی هدایت می‌شود. این مسئله برای تامین آب روزانه اسرائیلی‌ها حیاتی است ولی فلسطینیان نیز منبعی جزء همین خطوط سبز ندارند و از این‌رو نزاع بر سر تصمیم‌گیری استفاده آب ادامه دارد. این مسئله موسوم به سرقت آب است.

براساس قطعنامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل که در سال ۱۹۴۷، سرزمین‌های فلسطین به نسبت ۵۶،۴۴ بین فلسطینی‌ها و یهودی‌ها تقسیم شده است. سرزمین‌هایی که برای تاسیس دولت اسرائیل تخصیص داده شده است، بخشی از رود اردن و دریاچه الخلیل (جلیله) که از منابع بسیار مهم آب منطقه محسوب می‌شوند را

در خود جای داده است با این حال با استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸، وضعیت بیش از این برای فلسطینی‌ها بدتر شد. در واقع، اسرائیل با قوانینی که وضع کرده بود بخش اعظمی از منابع آب منطقه را به جمعیت یهودی اختصاص داد. اسرائیل با این هدف خصوصا با تشدید سیاست پایین آوردن جمعیت فلسطینی‌ها توانست نزدیک به هفتصد و پنجاه هزار فلسطینی را مجبور به مهاجرت نماید و از مصرف آب منطقه بکاهد. به دنبال این، اسرائیل با تدوین قانون اساسی خود، سیستم شهروندی دوگانه را بنا نهاد. بر این اساس، تابعیت اسرائیلی برای افراد غیریهودی و یهودی ملیت یهودی اعطاء شد. همچنین، قانون منزلت اجتماعی (۱۹۵۲) اسرائیل بعنوان دومین اقدام حکومت اسرائیل شبکه‌ای از همکاری بین چند سازمان ملی برای خدمات‌رسانی به شهروندان برخوردار از ملیت یهودی ایجاد کرد. با توجه به این قانون، سازمان‌هایی مانند سازمان جهانی صهیونیسم و صندوق ملی یهود که بخش عمده‌ای از منابع آب و زیرساخت‌های کشور را کنترل می‌کنند از ارائه خدمات به شهروندان فاقد ملیت یهودی معذورند. بر این اساس، حقوق آب فلسطینی‌های ساکن اسرائیل بطور گسترده زایل می‌شود (Alatout, 2000).

با پذیرش تصویب قانونی که در سال ۱۹۵۰ نیز طرح شده بود، انفجار بزرگی در جمعیت یهودی مهاجر به اسرائیل رخ داد. با این انفجار شهرنشینی افزایش یافت و بر میزان مصرف آب افزوده شد. در این وضعیت، طرح ملی انتقال آب اسرائیل را از بحران نجات داد. با توجه به پیش‌بینی هر نوع تغییر مسیر در حوزه رود اردن از جانب اسرائیل، کشورهای عربی، در چارچوب سیاست برد-باخت، ابتدا با استفاده از پروژه‌های انتقال آب و در نهایت با توسل به، قدرت نظامی نسبت به این طرح اسرائیل واکنش نشان دادند. همانگونه که در بخش قبلی مسئله بحران آوارگان فلسطینی مطرح شد، تامین آب شرب برای اردوگاه‌های داخلی و حتی خارجی فلسطین به بحران جدی تبدیل شده است که مردم ساکن این مناطق را مجبور به استفاده از آب آلوده و غیرقابل شرب می‌کند. این وضع تا حدی وخیم گزارش می‌شود که در مذاکرات و نشست‌های مختلفی که در مورد بحران فلسطین برگزار می‌شود مسئله تامین آب شرب فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه از مهمترین مسائل فوری و حیاتی تلقی می‌گردد. بسیاری از تحلیلگران همین محدودیت را از سیاست‌های کلان اسرائیلی‌ها می‌دانند تا بدین وسیله بتوانند افراد را یا مجبور به ترک سرای خود کنند یا تغییر هویت آنها را به سایر کشورهای حاشیه‌ای و حتی خود اسرائیل سوق دهند.

۲-۴- مرزهای دو کشور

اولین مسئله‌ای که در مورد مخالفت‌های فلسطینیان در مورد سلطه بی‌امان اسرائیل بر آنها وجود دارد مسئله اشغال کرانه باختری است. پس از سال ۱۹۶۷ بود که شواهد نشان می‌دهد که اسرائیل تجاوزی به منطقه کرانه باختری و همچنین نوار غزه نداشته است. شواهد حاکی از نفوذ نیروهای نظامی اسرائیلی به این مناطق

نیز است. در واقع عدم پایبندی اسرائیل به توافقات انجام شده و حتی تحمیل شده به فلسطین در طول تاریخ باعث می‌شود که حتی در صورت رفع موارد مورد نزاع مذکور توسط اسرائیل، فلسطینیان نمی‌توانند به آنها اعتماد کامل داشته باشند و در کمال صلح با آنها زندگی آتی خود و فرزندانشان را ادامه دهند.

حرکت فلسطینیان به شدت محدود است و باید از «ایست‌های بازرسی» متعددی عبور کنند تا از یک روستای فلسطینی به روستای دیگری سفر کنند. دادگاه‌های جهانی، شهرک‌سازی‌ها را غیرقانونی می‌داند آمریکا و اتحادیه اروپا، این پدیده را بعنوان مانعی بر سر صلح معرفی کرده‌اند. صلح از نظر ایشان و دادگاه‌های بین‌المللی ادامه مذاکرات است ولی از نظر مردم مسلمان بازگشت کامل سرزمین فلسطین به صاحبان‌اش. این مشاجرات میان آمریکا و اسرائیل بر سر جزئیات برای منحرف کردن افکار عمومی از مسئله اصلی یعنی اشغال صورت می‌پذیرد.

نوار غزه امروز با بیش از یک میلیون نفر سکنه، پر تراکم‌ترین نقطه جهان است. امروز در تمام مرزهای ۱۹۶۷ میان غزه و اسرائیل دیوار حائل بتنی برای عدم تردد از این نوار وجود دارد. اوضاع بهداشتی و غذایی این بخش از فلسطین بسیار اسفبار است و کشورهای مختلفی از جمله ترکیه بارها برای شکستن حصر آن تلاش کرده‌اند. پس از انقلاب ۲۰۱۱ مصر و سقوط مبارک، شورای نظامی حاکم این کشور گذرگاه رفح را پس از چهار سال حصر وحشیانه بطور محدود و البته قابل اعتنا باز کرد.

۵۱

در طرح دو بخشی شدن سرزمین فلسطین به دو کشور اسرائیل و فلسطین با دولت‌های مجزا، مسئله اصلی بازگشت اسرائیلیان از مرزهای ۱۹۶۷ بطور کامل و واگذاری آن به اعراب فلسطینی ساکن آن است. در این طرح مضراتی برای هر دو طرف وجود دارد. اگر توافق صورت پذیرد، فلسطینیان عملاً از بازپس‌گیری مابقی سرزمین اصلی خود امتناع کرده‌اند و برای برخی مانند حماس این پذیرش غیرقابل قبول است. همچنین، فلسطینی که در این طرح تعریف می‌شود شامل دو جزیره پراکنده در میان دریایی از اسرائیل می‌شود که چگونگی برقراری ارتباط این دو قطعه با وساطت اسرائیل، بسیاری دیگر از مسائل احتمالی را رقم می‌زند. اگر اسرائیل با این طرح موافقت کند، به مشکل کمبود آب بر می‌خورد. ضمناً، شهرک‌سازی‌های عظیم آن در کرانه باختری به هدر رفته‌اند و سرمایه‌های عظیمی را برای دشمن خود به جای گذاشته است. اسرائیل بجز موارد مذکور، ترس زیادی از خطرات احتمالی اجرای این طرح دارد. بسیاری از سازمان‌ها و احزاب فلسطینی که فعلاً مخالف و متضاد یکدیگر عمل می‌کنند در آن صورت متحد می‌شوند و ممکن است برای پس گرفتن سرزمین‌های دیگر خیزش‌هایی را آغاز کنند. این مسائل تنها بخشی از هزار مشکل و اختلافات میان این دو می‌باشد و گذشته از همه، مسجدالقصی برای فلسطینیان می‌ماند و اسرائیل باید از دیوار ندبه خداحافظی کند. اختلافات مذهبی، فرهنگی، نظامی، مدیریتی و ... در این طرح ریشه دوانده و با این حال تمامی مذاکراتی

که میان این دو به نتیجه نمی‌رسد و آمریکا درصدد اتصال آن است، تنها به این طرح بر می‌گردد (کامروا، ۱۳۹۱: ۵۹).

رویکرد نظری شهرک‌سازی را باید در جهت توسعه‌طلبی ارضی یا ایجاد فضای حیاتی امنیتی دانست که برخاسته از نظریات کلاسیک ژئوپلیتیک است. ژئوپلیتیک که بطور سنتی براساس اطلاعات، دیدگاه‌ها و تکنیک‌های جغرافیایی به مسائل سیاست خارجی کشورها می‌پردازد؛ یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می‌شود. جغرافیای سیاسی، پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که بطور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است. طبقه روشنگر جدید به ویژه فردریک راتزل بعنوان بنیانگذار ژئوپلیتیک، درباره ارتباط میان سرزمین و قدرت نظریه‌هایی را ارائه کردند. بسیاری از تفکرات راتزل برای پیدا کردن توجیه حقوقی و روشنفکری برای توسعه سرزمینی بود. وی به هنگام پایه‌گذاری علم ژئوپلیتیک، مفاهیم زیادی را از تئوری تکامل تدریجی داروین و پیروان او به ویژه داروین‌سیسم اجتماعی مشهور به «نئولامارکیسم» استخراج کرد. به اعتقاد راتزل کشور را می‌توان یک ارگانیزم زنده تلقی کرد و حکومت مانند دیگر ارگانیزم‌های زنده برای تغذیه خود به سرزمین کافی نیاز دارد که «فضای حیاتی» برای ارگانیزم ویژه نامیده می‌شود. راتزل در جهت گسترش عبارت‌های استعماری معتقد است کشورها وقتی جمعیت‌شان افزایش می‌یابد به فضای حیاتی بیشتری نیاز پیدا می‌کنند و به این ترتیب حکومت باید از طریق الحاق سرزمین‌های کوچک توسعه یابد؛ یا تلاش کند سرزمین‌های با موقعیت‌های بالقوه و با ارزش را تصرف کند (عزتی، ۱۳۸۶: ۸).

نتیجه‌گیری

بحران فلسطین مبحث پیچیده‌ای است که از ابعاد مختلف نظری تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از زمان ورود و اشغال اسرائیلی‌ها به فلسطین تاکنون، این سرزمین شاهد جنگ‌های داخلی و خارجی سنگینی شده است که در درون آن، احزاب فرقه‌ها و سازمان‌های متخلفی رشد کرده‌اند که بعضاً در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند. پس از تشکیل کشور اسرائیل، خشم فلسطینیان در مقابل این تجاوز بیش از پیش شعله گرفت و مداخله‌گران خارجی را به فکر میانجی‌گری انداخت. فلسطینیان در این مورد به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنهایی که خواستار خروج کامل اسرائیلیان و بازپس‌گیری تمام اراضی اولیه خود هستند و دسته دوم که دوست آمریکایی‌ها خوانده می‌شوند، مرزهایی که به سبب بروز جنگ ۱۹۹۷ کرانه باختری و نوار غزه را برای فلسطینیان می‌داند، بعنوان سرزمین فلسطینیان قبول کرده‌اند. در هر صورت، وجود وقایع متنوع و وضعیت جغرافیایی سرزمین فلسطین سبب ایجاد اختلافات جدی و بعضاً غیرقابل رفعی میان فلسطین و اسرائیل شده است که در این مقاله به توصیف برخی از آنها پرداخته شد.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد ریشه کشمکش و بحران بین اسرائیل و فلسطین وجود دارد؛ از جمله کشمکش‌های قومی، مذهبی فرقه‌ای که در واقع اگر بخواهیم از دید تاریخی به مسئله نگاه کنیم تمامی موارد ذکر شد وجود دارد اما اگر ریشه منازعه را در تاریخ معاصر جستجو کنیم این کشمکش قومی-سیاسی است و نه مذهبی و بیش از دیگر مسایل به مسئله ناسیونالیسم. مهاجرت یهودیان از اروپا و سکونت آنها در خاورمیانه از اواخر ۱۸۹۰ به بعد، نتیجه مستقیم تاثیر ناسیونالیسم نوین یهودی تحت عنوان صهیونیسم بود (بحران در خاورمیانه ادوارد میلتن) بعد از ۱۹۴۵ و تشکیل کشور اسرائیل و جنگ میان کشورهای عرب و اسرائیل بطور رسمی در طرف مقابل جهان عرب هم همین ویژگی ناسیونالیسم عرب یا جهان عرب مواجهه هستیم در واقع ناسیونالیسم فلسطینی و فلسطینی و صهیونیستی ریشه در ناسیونالیسم اروپایی داشته‌اند که در هر دو طرف اعراب و یهودیان هر دو در یک برهه تاریخی به مفاهیمی مانند حق سرنوشت ملیت و دولت ملی که ریشه آن از ناسیونالیسم سرچشمه گرفته آگاه شدند و به سوی آن گرویدند. بطور خلاصه، مساله تصاحب بیت-المقدس، مرزهای طرفین، منابع آبی و مساله آوارگان فلسطینی محورهای اساسی نزاع فلسطین و اسرائیل هستند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- دهقانی پوده، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «تحولات قدس و سازمان ملل متحد»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۴، ش ۱.
- ۲- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- قهرمانی، محمد (۱۳۷۹)، «بیت‌المقدس و روند صلح»، مطالعات خاورمیانه، ش ۲۳.
- ۴- کامروا، مهران (۱۳۹۱)، خاورمیانه معاصر، چ ۲، تهران: نشر قومس.

لاتین:

- 5- Al-Ghitany Gamal and Others (2009). *President Obama and Middle East Expectations*. The Carnegie Endowment. for International Peace.
- 6- Alatout, S (2000). Water balances in Palestine: numbers and political culture in the Middle East. *Water balances in the Eastern Mediterranean*. 59.
- 7- Alzaroo, S & Hunt, G. L (2003). Education in the context of conflict and instability: the Palestinian case. *Social Policy & Administration*. 37(2).
- 8- Chatty, Fogel (2005). *Children of Palestine: Experiencing forced migration in the Middle East*. (Vol. 16). Berghahn Books.

- 9- Forsythe, Depe (1971). Unrwa: the Palestine refugees, and world politics: 1949–1969. *International Organization*. 25(1). 26-45.
- 10- Khalidi, W (1971). From haven to conquest: Readings in Zionism and the Palestine problem until 1948. (No. 2). *Institute for Palestine Studies*.
- 11- LeVine, M, (2005). *Overthrowing geography: Jaffa, Tel Aviv, and the struggle for Palestine, 1880-1948*. Univ of California Press.
- 12- Oz, A (1995). *Israel, Palestine and Peace: Essays*. HMH.
- 13- Simoni, M (1999). A dangerous legacy: Welfare in British Palestine, 1930–1939. *Jewish History*. 13(2), 81-109.
- 14- Pfeffer, Anshel; Stern, Yoav (2007). *High Court delays ruling on JNF land sales to non-Jews*. Haaretz. Retrieved.
- 15- Weinberg David M (2015). Resetting the Mideast Peace Process. *BESA Center Perspectives Paper*. No. 292.
- 16- www.jesussaves.nl
- 17- www.btselem.org